



## جامعه مدنی و جغرافیای توسعه: پیشرفت در جغرافیای انسانی

نگارنده: کتی مکلواين ■

مترجم: مرجان بدیعی ازندهی ■

دانشجوی دکتری رشته جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس □□□

### چکیده

اگرچه واژه جامعه مدنی کرراً در متون توسعه به کار می‌رود، اما این مقاله آن را از دیدگاه جغرافیایی بررسی می‌کند. پرسش مهم و اصلی این است که چرا و چگونه جامعه مدنی بار دیگر در حوزه توسعه مطرح شده است. این نوشته در ضمن اینکه به ارائه معنای وسیعی از جامعه مدنی می‌پردازد، دیدگاههایی از قبیل «لیبرالی» و «نویا فرامارکسیستی» را درباره نقشها و عملکردهای جامعه مدنی بیان می‌دارد. بحثهایی مانند سرمایه اجتماعی و نقش آنها در بنا نهادن سازمانهای جامعه مدنی و همچنین رابطه بین دولت و جامعه مدنی، نقش سازمانهای غیردولتی در این جامعه و روابط آنها با سازمانهای بین‌المللی از دیگر موضوعات این مقاله‌اند.

### ۱- جامعه مدنی و جغرافیای توسعه

مفهوم پیچیده جامعه مدنی به واژه‌ای فراگیر در کاربرد توسعه و آثار مکتوب آن مبدل شده است. میزان نفوذ این واژه در محاورات روزمره را زمانی دریافتم که با تعدادی از سازمانهای غیردولتی (NGOS) و گروههای اجتماعی السالوادور در تابستان سال ۱۹۹۷ مصاحبه می‌کردم. من تحت تأثیر کاربرد مداوم عبارت جامعه مدنی در بین اعضای این سازمانها قرار گرفتم. همچنین این سؤال در ذهن من شکل گرفت که چگونه ممکن است واژه‌ای مانند جامعه مدنی با سابقه‌ای طولانی در فلسفه سیاسی و اجتماعی قرن هفدهم و هجدهم که مورد بحث افرادی چون هگل<sup>۱</sup>، مارکس<sup>۲</sup>

۱۶۸

مجله

شماره ۸، پاییز ۱۳۷۷

1. Hegel

2. Marx

کرامسی<sup>۳</sup> و دو توکویل<sup>۴</sup> بوده است. بتواند در بین فعالان عام توسعه در امریکای لاتین رواج یابد.<sup>۵</sup> این تجربه همراه با این حقیقت که، اژده جامعه مدنی در متون توسعه، فراوان به کار برده می‌شد مرا بر آن داشت که گزارش پیشرفت کار امسال را به این موضوع اختصاص بدهم. همه جانبه بودن مطالعات توسعه بدین معناست که این گزارش فقط به عملکرد طراحان توسعه محدود نیست، اما موضوع جامعه مدنی عمدتاً از دید جغرافیایی بررسی شده است. در مطلبی که بتازگی در این نشریه - یعنی نشریه توسعه در جغرافیای انسانی - به چاپ رسید، گلاسمان<sup>۶</sup> و سماتار<sup>۷</sup> (۱۹۹۷) از رابطه دولت و جامعه مدنی به عنوان نظریه‌های اصلی جغرافیای توسعه و چیزی که باید بخشی از تحلیلهای آینده در مورد کشورهای جهان سوم را تشکیل دهد، یاد می‌کنند. گزارش مزبور همچنین این مطلب را روشن می‌کند که در بیشتر موارد برای بحث در مورد جامعه مدنی به استعاره‌های دور از ذهن متوسل می‌شوند.<sup>۸</sup>

برای مثال جامعه مدنی، فضایی است که تقسیمات اجتماعی را به شکل کلی بیان می‌کند<sup>۹</sup> یا فضایی است که در آن، گروههای چندگانه برای دسترسی به تصمیم گیرندگان باهم رقابت می‌کنند<sup>۱۰</sup> یا اینکه موقعیت بالقوه‌ای از قدرت را در خارج از دولت به وجود می‌آورد.<sup>۱۱</sup> با در نظر گرفتن این استعاره‌ها، این گزارش به بررسی خاستگاه جامعه مدنی و اینکه چرا و چگونه جامعه مدنی مجدداً در حوزه توسعه مطرح شده است، می‌پردازد. نکته ارزشمند، نحوه جلب مجموعه‌ای از عقاید به جامعه مدنی است که در بحثهای اخیر در خصوص سیاستهای تطبیق بنیادی، مرکز زدایی، ایده‌های مشارکت دادن اختیارات، مردمی کردن و همچنین نقش سازمانهای غیردولتی صورت پذیرفته است.

## ۲- بحث جامعه مدنی

جامعه مدنی، سابقه‌ای غنی و طولانی دارد و از دوران باستان همواره به اشکال گوناگون در بحثهای اجتماعی بروز کرده است.<sup>۱۲</sup>

با وجود این در پانزده سال گذشته اندیشه جامعه مدنی در افکار سیاسی مربوط به سقوط کمونیسم در شوروی سابق و اروپای شرقی و اخیراً در فرایند دموکراسی‌سازی در جنوب مجدداً مطرح شده است.<sup>۱۳</sup> به مفهوم دقیق‌تر اینکه جامعه مدنی عملاً در طول منقطه حائل شمال و جنوب مورد استفاده واقع شده است. در حوزه‌های خط‌مشی توسعه، نظریه منسجم کردن جامعه مدنی از موقعیت

3. Cramsci

5. Pearce, 1997 a. ر.ک.به

7. Samatar

4. de Tocqueville

6. Glassmann

۸. ر.ک.به Kelly, 1997; Maeston, 1995 در بحث کاربرد استعاره‌های فراگیر در سطح جهان.

9. Pearce, 1997: 27.

10. Brinkerton and Kulibaba, 1996: 136.

11. Von Doepf, 1996: 27.

۱۲. Shils, 1991: 5 و سابقه این اندیشه به Keane, 1998; Gellner, 1994; Cohen and Arato, 1992, Tester, 1992.

13. Fine and Rai, 1997



بالایی در همان چیزی که رابینسون<sup>۱۴</sup> (۱۹۹۵) آن را «دستور خط مشی نو»<sup>۱۵</sup> می خواند برخوردار است. سازمانهای چند جانبه و دو جانبه و نقش سازمانهای غیردولتی و افراد عبادی سازمانها در فقرزدایی و اهداف رفاه اجتماعی در مراحل بعدی قرار دارند<sup>۱۶</sup>. برای مثال گزارش توسعه انسانی UNDP در سال ۱۹۹۳ اعلان می کند که تقویت نهادهای جامعه مدنی تنها راه حل مناسب برای افزایش مشارکت شهروندان است. همچنین گزارش توسعه جهانی<sup>۱۷</sup> در سال ۱۹۹۷ که توسط بانک جهانی منتشر شد، تقویت جامعه مدنی را راهی برای افزایش پایداری نهادهای اجتماعی می داند که این نهادها ممکن است بتوانند از هرج و مرجح حتی در زمانی که دولت بسیار ضعیف است - جلوگیری کنند (ص ۱۶۰۰). میزان تحقیقات انجام شده در خصوص جامعه مدنی، هم به شکل نظری<sup>۱۸</sup> و هم در مناطق خاصی در جنوب افزایش یافته است<sup>۱۹</sup>. حتی نشریه ای در هند با عنوان جامعه نهادینه<sup>۲۰</sup> (نوآوری در جامعه مدنی<sup>۲۱</sup>) توسط «انجمن تحقیقات مشارکتی در آسیا»<sup>۲۲</sup> منتشر می شود که هدف اصلی آن گسترش درک نظری و عملی از جامعه مدنی است<sup>۲۳</sup>. همچنین ویژه نامه هایی از نشریات مختلف به جامعه مدنی اختصاص دارند (برای مثال مرور اقتصاد سیاسی آفریقا<sup>۲۴</sup>، ۱۹۹۳؛ دموکراتیک کردن ۱۹۹۷)<sup>۲۵</sup>.

با پذیرش اهمیت نظریه جامعه مدنی سؤال بسیار مشکلتری نسبت به معنای آن شکل می گیرد. همان طور که بینگتون<sup>۲۶</sup> و ریدل<sup>۲۷</sup> (۱۹۹۷: ۱۰۸) ذکر می کنند جامعه مدنی یک نظریه مبهم و نامفهوم است. با ساده کردن بیش از حد معنای جامعه مدنی که احتمالاً ابهاماتی را به دنبال دارد. می توان معنای وسیع و کاربردی آن را در حوزه توسعه بدین شکل توضیح داد که جامعه مدنی بیانگر بخش خاصی<sup>۲۸</sup> از جامعه است که تحت کنترل نوع خاصی از کنش های متقابل قرار دارد. بخش یا ناحیه مورد بحث، فضای عمومی بین دولت و شهروند منفرد (یا خانواده) است<sup>۲۹</sup>. معنای وسیعتر این بخش<sup>۳۰</sup> یا فضا «حوزه فرهنگ معاشرتی»<sup>۳۱</sup> یا «گروههای معاشرتی»<sup>۳۲</sup> است که انواع مختلف فعالیت های سازمان یافته را در بر می گیرد. گرچه در این خصوص که جامعه مدنی - بویژه زمانی که بحث گروه های سیاسی و

14. Robinson  
15. New Policy Agenda  
16. Moore, 1993; Edwards and Hulm, 1996 ر.ک.به  
17. World Bank World development report of 1997.  
18. برای مثال Blaney and Pasha, 1993; White, 1994  
19. برای مثال Pearce, 1997a در مورد امریکایی لاتین؛ Ndegwa, 1996 در مورد آفریقا؛ White, 1996 و دیگران در مورد چین؛ Schwedler 1995 در مورد خاورمیانه.  
20. Institutional Society  
21. Innovations in Civil Society  
22. Society for Participatory Research in Asia  
23. Crane, 1996; Schearer, 1996; Synergos Institute, 1996.  
24. Review of African Political Economy  
25. Democratization  
26. Bebbington  
27. Riddell  
28. Area  
29. Hadenius and Ugla, 1996.  
30. Space  
31. associational culture; (Pearce, 1997 a)  
32. associational groupings, (Blair, 1997)

اجتماعی مطرح می‌شود - چه نوع فعالیتهایی را در بر می‌گیرد، توافق اندکی وجود دارد.<sup>۳۳</sup> این فعالیتها معمولاً به سازمانهای داوطلبانه، گروههای اجتماعی، اتحادیه‌های تجاری، گروههای مذهبی و همچنین سازمانهای تعاونی معاملاتی، حرفه‌ای، بشر دوستانه و سایر سازمانهای غیردولتی اطلاق می‌شود.<sup>۳۴</sup> با اینکه جامعه مدنی معمولاً به جامعه‌ای گفته می‌شود که از گروههای ذکر شده تشکیل شده باشد، گرایشهایی نیز وجود داشته که سازمانهای غیردولتی را عوامل و محرکه‌های اصلی جامعه مدنی می‌دانسته‌اند. سازمانهای غیردولتی که تحت بررسیهای دقیق معنایی بوده‌اند.<sup>۳۵</sup> خود باعث کم شدن شفافیت نظریه و جامعه مدنی می‌شوند. حرکتهای اجتماعی نیز که همواره برداشتهای متفاوتی از آنها ارائه می‌شود<sup>۳۶</sup>، بخشی از جامعه مدنی خوانده می‌شوند، گرچه با آن برابری نمی‌کنند.<sup>۳۷</sup> بنابراین سازمانهای غیردولتی و حرکتهای اجتماعی عوامل تشکیل‌دهنده جامعه مدنی هستند که با یکدیگر متفاوتند.

عمومیت دادن بیش از حد و عدم موفقیت در شناخت تفاوت موجود در گروههای تشکیل دهنده و جامعه مدنی باعث ایجاد مشکل در ارائه معنای جامعه مدنی می‌گردد.<sup>۳۸</sup> گرچه جامعه مدنی هنوز به عنوان در بردارنده اهداف فراگیر و مشترک تلقی می‌شود<sup>۳۹</sup>، این واقعیت که بسیاری از گروه‌ها در تضاد یا در رقابت با یکدیگر هستند نیز نادیده گرفته می‌شود.

عدم کامیابی در به حساب آوردن این عوامل «غیرمدنی»<sup>۴۰</sup> که ممکن است حکومتهای خودکامه در بعضی جوامع یا ناآرامی‌های اجتماعی توسط گروههای خاص را نیز در بر بگیرد<sup>۴۱</sup>، عملاً باعث شده است بین کسانی که نسبت به این نظریه تردید دارند و آن را به عنوان نظریه‌ای صرفاً انتزاعی و بدون جوهر رد می‌کنند و کسانی که به آن پایبندند و ممکن است آن را به خاطر همه جانبه بودنش بپذیرند، جدایی بیفتد.<sup>۴۲</sup>

### ۳- جامعه مدنی: نوشدارو یا معضل؟

نقشها و عملکرد جامعه مدنی که با توجه به دیدگاه نظری مورد استفاده، تغییر می‌کنند باعث مناظراتی می‌شوند که خود زمینه‌ساز بحثهای مربوط به جامعه مدنی هستند. طرح مجدد برخوردهای نظری که قرنهای بحثهای جامعه مدنی را در سیطره خود داشته‌اند، شاید مفید نباشد و در این مقاله نتوان به همه آنها پرداخت<sup>۴۳</sup>، ولی با وجود این، دو دیدگاه عمده در این مورد وجود دارد. با در نظر گرفتن خطر

33. Diamond, 1994; Foly and Edwards, 1996; Berman, 1997

34. UNDP, 1993; Macdonald, 1997

35. Bebbington and Farrington, 1993; Kortan, 1990, Carrol, 1992.

۳۶. برای مثال ر.ک.به Canel, 1997; Foweraker, 1995; Lehmann, 1990 در مورد امریکای لاتین و Scchikonye, 1995b در مورد افریقا.

37. Ndegwa, 1996.

38. Foley and Edwards, 1996.

39. Landell-Mills, 1992.

40. uncivil.

41. Pearce, 1997a.

42. Fine, 1997:7.

43. Keane, 1988 ر.ک.به



احتمال عمومیت دادن بیش از حد می‌توان چنین گفت که نظریه لیبرال، جامعه مدنی را بیشتر جامعه‌ای آزاد و خودمختار می‌داند که اغلب با تفکر دوتوکویل عجین شده است و بر آثار سودمند انجمنهای فعال شهری تأکید می‌کند. از طرف دیگر، نظریه نو یا فرامارکسیستی<sup>۴۴</sup> جامعه مدنی را جامعه فشار و نابرابری قدرت می‌داند که بیشتر بر افکار مارکس، هگل و کرامسی استوار است<sup>۴۵</sup>. جریان بسیار سریع پیوستن جامعه مدنی به ادبیات توسعه و بویژه به خط‌مشی توسعه، بیانگر این مطلب است که این جهت‌گیریها بندرت مورد توجه بوده‌اند. گرچه این امر باعث برخورد غیر انتقادی با نظریه جامعه مدنی شده است، هر دو دیدگاه نظری فوق به تأثیرگذاری نامحسوس در نظرهای طرفداران و مخالفان آن ادامه می‌دهند به‌طور کلی نظریه لیبرال در آثار کتبی توسعه تمایل به آگاه کردن کسانی دارد که جامعه مدنی را نوشدارو می‌دانند، درحالی که نظریه فرامارکسیسم تقسیم‌های درونی و روشهایی را برای جامعه در نظر می‌گیرد که در آن قدرت دولت ممکن است از طریق تسلط غیرمستقیم جامعه مدنی ادامه یابد<sup>۴۶</sup>.

دیدگاه لیبرال - دوتوکویل بیشتر نزدیک به چیزی است که ساچیکونیه<sup>۴۷</sup> (1995b:8) آن را «تعلیق غیرانتقادی»<sup>۴۸</sup> از جامعه مدنی می‌داند و نقشی که در به خطر انداختن روند دمکراسی از دیدگاه آزادی اقتصادی ایفا می‌کند. در چارچوب نظریه نولیبالی دهه هشتاد مبنی بر تعدیل بنیادی و کم کردن هزینه‌های دولت و خصوصی‌سازی، نوعی علاقه‌مندی به جداسازی دولت و جامعه مدنی وجود دارد<sup>۴۹</sup>. فعالان جامعه مدنی خصوصاً سازمانهای غیردولتی (NGOS) به‌طور روز افزون نقش سرویس دهندگان دولت بسیار محدود شده را ایفا می‌کنند<sup>۵۰</sup>. در همین حال، سازمانهای جامعه مدنی نیرومند مسئولیت‌کنش بر علیه رژیمهای خودکامه و استبدادی و ایجاد نوعی زمینه مشارکت مردمی را بر عهده دارند<sup>۵۱</sup>.

این دیدگاههای مرتبط با هم بر دو رکن اصلی «دستور خط مشی نو» که در بالا تحت عنوان آزادی سیاسی و اجتماعی مطرح شد، تأکید دارند. سازمانهای دو جانبه و چند جانبه به اشکال گوناگون به این ارکان مرتبط هستند<sup>۵۲</sup>. بنابراین، یک جامعه مدنی فعال که ولو به شکل ضمنی بر دیدگاههای دوتوکویل استوار است، راه‌حل بالقوه‌ای برای بسیاری از نگرانیهای توسعه معاصر است، به شرط آنکه در برگیرنده نظرهای توسعه سرمایه‌داری و دموکراتیک غرب باشد.

در اغلب موارد، بحث در مورد جامعه مدنی مستلزم در نظر گرفتن سرمایه اجتماعی است. طبق تحقیقات کلمن<sup>۵۳</sup> و پوتنام<sup>۵۴</sup> چنین تصور می‌شود که ظهور یک جامعه مدنی نیرومند و شکل‌گیری

44. neo - or post - Marxist

۴۵. ر.ک.به: Foley and Edwards, 1996; Macdonald, 1997; Nzimande and Sikhosana, 1995

46. Macdonald, 1997: 19 - 20.

47. Sachikonye.

48. the uncritical adulation.

49. Robinson, 1997.

50. Gordenker and Weiss, 1997.

51. Fowler, 1993; Foley and Edwards 1996.

52. Meore, 1993.

53. Coleman, 1990.

54. Putnam, 1993, 1995.

سرمایه و اجتماعی باعث تشدید و تقویت یکدیگر می‌شوند. فولی و ادوارد<sup>۵۵</sup> این عامل تشدید را «انرژی اجتماعی»<sup>۵۶</sup> می‌خوانند که جامعه مدنی به صورت متناوب آن را تولید کرده یا از آن تغذیه می‌کند. همچنین دوتوکویل با الهام از واژه سرمایه اجتماعی که به انواع شبکه‌ها، اصول و تراست‌هایی اطلاق می‌شود که روابط اجتماعی را در کنترل دارند، توانسته است توجه بسیاری را در متون توسعه به خود جلب کند. این واژه هم در «گزارش توسعه جهانی» بانک جهانی<sup>۵۷</sup> و هم در گزارش توسعه انسانی<sup>۵۸</sup> ذکر شده است. بررسی و تجزیه و تحلیل سرمایه اجتماعی نشان‌دهنده این است که این شبکه‌ها نقش سرمایه‌گذاری برای فقرا را بازی می‌کنند<sup>۵۹</sup> و همچنین نقش آنها در ساختن سازمانهای جامعه مدنی را آشکار می‌کند<sup>۶۰</sup>. البته همانند انتقاداتی که بر جامعه مدنی وارد بود، کسانی که در مفهوم سرمایه اجتماعی خدشه می‌کنند آن را ایده‌ای بسیار کلی می‌دانند که در سطح یک نظریه نیست<sup>۶۱</sup>.

اغلب انتقاداتی که از دیدگاه لیبرالی جامعه مدنی می‌شود، ریشه در نگرشی کاملاً فرامارکسیستی دارند<sup>۶۲</sup>. یکی از جنجالی‌ترین بخشهای این نظریه، بحث جدایی دولت و جامعه مدنی است. موارد متعدد مورد مطالعه در جنوب، غیرقابل اجرا بودن این مشخصه را روشن می‌کنند. برای مثال الکساندر (۱۹۹۷) آشکار می‌کند که چه تعداد از رهبران محلی گروههای جامعه مدنی در استان مانیکای موزامبیک - که به خاطر درگیریها و حکومتهای استبدادی‌اش معروف است - سعی دارند به جای اینکه بسا دولت مخالفت کنند با آن همدست شوند. او همچنین نشان می‌دهد که این رهبران، آرمانهای دموکراتیک اندکی دارند<sup>۶۳</sup>. به همین ترتیب مک‌دونالد (۱۹۹۷) در موارد مطالعاتی کاستاریکا و نیکاراگوئه ثابت می‌کند که ماهیت جامعه مدنی کاملاً تحت تأثیر عملکردهای مختلف دولت واقع شده است<sup>۶۴</sup>. امیر احمدی و گلدستون<sup>۶۵</sup> (۱۹۹۶) نظریه توسعه‌ای را از دیدگاه نظری ارائه می‌دهند که بر پایه درجات مختلف رابطه دولت و جامعه مدنی استوار است. هادینوس<sup>۶۶</sup> و آگلا<sup>۶۷</sup> در مقایسه و ذهنی برخورد دولت با جامعه مدنی که شامل برخورد خشن تا خوشرفتار می‌شود نیز به این موضوع پرداخته‌اند.

تمام این تحقیقات بیانگر وابستگی دولت و جامعه مدنی به یکدیگر است که نوع این وابستگی به

۵۵، ۱۹۹۷، ص. ۵۵.

56. social energy.

۵۸. UNDP، ۱۹۹۷، صص. ۶۲-۶۳.

۵۷، ۱۹۹۷، ص. ۱۱۵۰.

59. Moser and Holland, 1997, on the Jamaica; Moser and McIlwaine, 1997 on the Philippines; Moser, 1998.

۶۰. ر.ک. به Bebbington, ۱۹۹۷ در مورد منطقه روستایی آندو، Fox، ۱۹۹۶ در مورد مکزیک

۶۱. در مورد تجزیه واژه به Foley and Edwards, 1997; Lloyd Evans and Bowlby, 1997; Newton, 1997 و همچنین برای نگاهی مثبت و بحث در مورد سرمایه اجتماعی و مشارکت سهامداران به Wilson, 1997 رجوع کنید.

62. Macdonald, 1997

۶۳. ر.ک. به Oloka - Onyango and Barya, 1997 در مورد اوگاندا؛ Sachikonye, 1995a در مورد گزارش‌هایی از جنوب آفریقا. ۶۴. ر.ک. به بخش برزیل در Bereira, ۱۹۹۳.

65. Gladstone.

66. Hadenius.

67. Ugla.



شرایط خاص سیاسی، اقتصادی و تاریخی هر کشور و وضعیت خاص بستگی دارد.<sup>۶۸</sup> از طرفی گستردگی سازمانهای جامعه مدنی در مکانها و زمانهای مختلف یکسان نیست، گرچه این گستردگی بیشتر در مناطق شهری صورت می‌گیرد.<sup>۶۹</sup> درک این تفاوتها باعث ایجاد تغییراتی در نظریه جامعه مدنی شده است. برای مثال بوکنگ<sup>۷۰</sup> (۱۹۹۷) در باره چین واژه «جامعه نیمه مدنی»<sup>۷۱</sup> را ابداع کرده است تا نشان دهد جامعه مدنی از دولت مستقل نیست و در عین حال به آن نیز وابستگی ندارد.<sup>۷۲</sup> وان دوپ<sup>۷۳</sup> (۱۹۹۶) در مقایسه کنیا با زامبیا، در بیان فرق بین جامعه مدنی فعال و غیرفعال چنین می‌گوید: در جامعه مدنی فعال، هر قدر انجمنهای محلی به دولت نزدیکتر می‌شوند یا برعکس با آن مخالفت می‌ورزند، فعالیتشان نیز بیشتر می‌شود. بیات (۱۹۹۷) در رابطه با سیاست شهری در خاور میانه در دیدگاهی اندک متفاوت، به انتقاد از ایده جامعه مدنی می‌پردازد و بیان می‌کند که چگونه این ایده که اساس آن زندگی اجتماعی و عملکرد گروهی است، گرایش به برتری دیگر اشکال کمتر منسجم جامعه دارد که او آن را «تجاوز آرام»<sup>۷۴</sup> می‌خواند. بیات (۱۹۹۷: ۵۵) از مستثنا شدن این فعالیت غیر سازمان یافته که در میان مجامع کم درآمد شایع است و از بحثهای اخیر در باره جامعه مدنی در خاورمیانه اظهار تأسف می‌کند. با این حال، این برداشت بیشتر یک برداشت نظری است. برای مثال در امریکای لاتین چنین فعالیتهایی تحت عنوان جامعه مدنی گنجانده شده‌اند.<sup>۷۵</sup> همچنین این عقیده که جامعه مدنی ذاتاً نه دموکراتیک است نه مشارکتی، در بیشتر این تحقیقات ذکر شده است<sup>۷۶</sup> و اشاره به همان گوناگونی منافع موجود در سازمانهای جامعه مدنی دارد که این منافع یا با هم در رقابت هستند یا در مبارزه. فولی (۱۹۹۶: ۹۱) در مورد السالوادور به تحلیل تقسیم‌بندی موجود در جامعه مدنی می‌پردازد که در آن گروههای وابسته به جناح چپ و FMLN و گروههای وابسته به جناح راست و حزب حاکم و همچنین USAID از یکدیگر جدا می‌شوند. او همچنین به ذکر این نکته بجا و مناسب می‌پردازد که "F" یا جامعه مدنی السالوادور دموکراتیک است و احزاب و دولت، در آینده دموکراتیک‌تر خواهند شد.<sup>۷۷</sup>

نکته مهم و درخور ذکر دیگر، خطرهای موجود در تحمیل عقیده غربی دیگری مانند جامعه مدنی بر جنوب است. اولوکا و نیاگا<sup>۷۸</sup> و بریا<sup>۷۹</sup> (۱۹۹۷: ۱۱۵) در مبحث اوگاندا به انتقاد از پذیرش کامل جامعه مدنی می‌پردازند که به نظر آنها مانند بقیه واردات بیگانه، اصلیتی مبهم و اعتباری مشکوک دارند. ایهون<sup>۸۰</sup> و بر نیز در مبحث زامبیا (۱۹۹۶: ۲۷۱) همین نظر را مطرح می‌کند و به انتقاد از فرایند حاضر که

68. Bebbington and Ridell. 1997; Pearce, 1997a

۶۹. ر.ک. به Scachikonye, 1995; Drakakis-Smith, 1997

70. Boagang.

71. Semi - civil society.

۷۲. ر.ک. به بخش رابطه پیچیده سازمانهای زنان با دولت چین: هاول ۱۹۹۶.

73. Vondoepp.

74. quiet encroachment.

۷۵. ر.ک. به بیکر (Becker)، ۱۹۹۶، بخش فعالیت‌های مربوط به حقوق اموال در پرو.

76. Munslow and Ekoko, 1995; Brinkerhoff and Kulibaba, 1996; Monga 1996.

۷۷. ر.ک. به بخش سازمانهای عامه در السالوادور، بین فورد Binford ۱۹۹۷.

78. Oloka Onyango.

79. Barya.

80. Ihonvbere.

می‌خواهد نوعی جامعه مدنی را بر افریقا تحمیل کند، می‌پردازد و آن را قدمی اشتباه در مسیری غلط می‌داند؛ اما در امریکای لاتین، قضیه برعکس است و این واژه رواج زیادی پیدا کرده است.<sup>۸۱</sup> ولی این نکته مهم قابل ذکر است که جامعه مدنی برای داشتن هرگونه اعتبار باید از بنیان برخیزد و دربرگیرنده مذاکره درونی بین گروه‌های درگیر و هم مذاکره بین دولت و گروه‌های برگزیده باشد.<sup>۸۲</sup> ضمناً در بحثها و برداشتهایی که در مورد جامعه مدنی صورت می‌گیرد باید تقسیم‌های داخلی و خطوط کلی جنسیت، نسل و قومیت را مدنظر داشت که البته این موارد معمولاً در بحثهای جامعه مدنی نادیده گرفته می‌شوند.<sup>۸۳</sup> درحالی که همه آنها در دیدگاه فرامارکسیسم گنجانده شده‌اند و تحقیقات بسیاری نیز در مورد حرکت‌های اجتماعی و حرکت‌های مبتنی بر جنسیت انجام شده است.<sup>۸۴</sup> سرانجام این که باید توجه داشت بسیاری از گروه‌های جامعه مدنی بویژه سازمان‌های غیردولتی به بحث در مورد این واژه پرداخته‌اند و اتحادیه‌های مختلفی را تشکیل داده‌اند.<sup>۸۵</sup> با وجود این، دلیل و منطق آنها، مشارکت بیشتر در روند تصمیم‌گیریها، خصوصاً در مقابل دولت است تا اجرای وظیفه‌ای که دیدگاه لیبرالی به آنها محول کرده است.

#### ۴- بحث‌های کمکی و نقش سازمان‌های غیردولتی در جامعه مدنی

برداشتهای دوتکلیلی از جامعه مدنی کاملاً در بحث‌های نهاد‌های چند جانبه حضور دارند. یک مثال در این باره استراتژی «تقویت جامعه مدنی»<sup>۸۶</sup> است که بانک توسعه امریکایی<sup>۸۷</sup> از سال ۱۹۹۴ آن را از طریق بخش «دولت و جامعه مدنی»<sup>۸۸</sup> خود به اجرا درمی‌آورد و هدفش افزایش پایداری و ثبات به وسیله آزادسازی اقتصاد و مدرن‌سازی دولت و همچنین دموکراتیک کردن از طریق تقویت جامعه مدنی است.<sup>۸۹</sup>،<sup>۹۰</sup> ایده جامعه جهانی در بحث‌های تمرکززدایی<sup>۹۱</sup> و بحث‌های نحوه به کارگیری منابع سرمایه‌گذاری اجتماعی<sup>۹۲</sup> از اهمیت خاصی برخوردار است. اگرچه در بین سازمان‌های بین‌المللی برداشت رو به تزایدی از ضد و نقیض بودن درونی جامعه مدنی وجود دارد<sup>۹۳</sup>، ظهور فرضی جامعه

81. Pearce, 1997a.

۸۲. ر.ک. به مبحث قوانین حقوق شهروند (decatalogue of citizen rights) در رابطه با اجرا و استحکام جامعه مدنی، فردمان (Friedmann)، ۱۹۹۶.

۸۳. ر.ک. به مبحث جنسیت، Sen، ۱۹۹۶.

۸۴. ر.ک. به باسو (Basu) ۱۹۹۵، ویرینگا (Wieringa) ۱۹۹۵، دور (Dore) و لیند (Lind) ۱۹۹۷.

۸۵. ر.ک. به شرر (Schearee) ۱۹۹۶ مبحث CIVICUS اتحادیه جهانی برای مشارکت شهروندان؛ ملو (Mello)، ۱۹۹۶؛ مبحث شبکه برزیل در نهادهای مالی چند جانبه

86. Strengthening Civil Society.

87. Inter - American Development Bank.

88. State and Civil Society Unit.

89. Synergos Institute, 1996; Pearce, 1997a.

۹۰. همچنین ر.ک. به هاشمی ۱۹۹۵؛ بلر (Blair) ۱۹۹۷ در مورد پذیرش جامعه مدنی توسط USAID با تأکید ویژه بر تأثیرات دموکراتیکی.

91. Rodriguez and Winchester, 1996; Smith, 1996.

92. Stahl, 1996; Macdonald, 1997.





مدنی هنوز با جریان خیالی افزایش «بیان نظرها و مشارکت»<sup>۹۴</sup> همراه است. علاوه بر این هاله‌ای از ابهام در مورد کاربرد این واژه وجود دارد و بندرت توضیح یا مدرکی در مورد اینکه چرا و چگونه یک جامعه مدنی مستحکم‌تر منجر به دموکراسی می‌شود، ارائه شده است.<sup>۹۵</sup> همچنین در خصوص معنای دموکراسی هیچ کاوشی علاوه بر فرضیه‌های مبتنی بر اصول مقدماتی مانند انتخابات آزاد و غیره انجام نگرفته است.<sup>۹۶</sup> در مورد مسأله حمایت از جامعه مدنی شاید نقش سازمانهای غیردولتی و ارتباط آنها با سازمانهای بین‌المللی بیشترین توجه را به خود جلب کرده است.<sup>۹۷</sup>

با توجه به اینکه سازمانهای غیردولتی جنوب به عنوان بهترین نمونه‌های جوامع مدنی در جهان سوم مطرح شده‌اند<sup>۹۸</sup>، اهمیت حمایت سازمانهای غیردولتی شمال از آنها و همچنین سایر سازمانهای عام که به شکلهای مختلف در توسعه سهیم هستند، امری کاملاً رایج است (براساس عضویت و یا غیر آن)<sup>۹۹</sup> امروزه سازمانهای غیردولتی به بازیگران و اجراکنندگان عمده سیاست تبدیل شده‌اند که بخشی از آن از فشارهای کمک‌کنندگان برای تقویت جامعه مدنی نشأت می‌گیرد و بخش دیگر ضرورت یافتن سازمانهایی است که بتوانند خلأ به جا مانده از دولتهای محدود شده را پرکنند یا خواسته کمک‌کنندگان برای جاری کردن فعالیتها از طریق آنان باشد.<sup>۱۰۰</sup> پیچیدگیهای افزایش فعالیتها به طور گسترده مورد بحث قرار گرفته است<sup>۱۰۱</sup> که بیشتر حول موضوعاتی چون مسئولیت‌پذیری و آثار برآورد کردن نیازهای رأی‌دهندگان بوده است. این موضوع به میزانی که سازمانهای غیردولتی می‌توانند خودمختاری خود را در سایه وابستگی به کمکهای اهداکنندگان حفظ کنند و بر سیاست آنان تأثیر بگذارند، مربوط می‌شود.<sup>۱۰۲</sup> هولم و ادواردز (۲۷۷، ۲۷۶: ۱۹۹۷) خطرهای این جریان را در ایجاد جامعه مدنی گوشزد می‌کنند. آنها با مطرح ساختن توسعه کنونی دهه نود به عنوان «اسطوره بازار و جامعه مدنی»<sup>۱۰۳</sup> که بر ضد «اسطوره دولت»<sup>۱۰۴</sup> در دهه هفتاد و «اسطوره بازار»<sup>۱۰۵</sup> در دهه هشتاد است قصد دارند مشکلات ایجاد و تقویت جامعه مدنی را از طریق سیاستهای کمک‌کنندگان آشکار کنند نه فقط ممکن است گروههای خاصی مانند سازمانهای غیردولتی متوسط برای دستیابی به منابع مالی اقدام به کارهای مصلحتی بکنند یا در اهداف فقرزدایی و مشارکتی حاضر شوند، بلکه جامعه مدنی نیز ممکن است اجازه پیدا نکند که نقش خود را از پایین و یا براساس مذاکره و گفت‌وگو انجام دهد.<sup>۱۰۶</sup>

94. expressions of voice and participation

95. Pearce, 1997a.

۹۶. بانک جهانی ۱۹۹۷، Ihonvbere، ۱۹۹۶ در مورد زامبیا؛ Volk، ۱۹۹۷ در مورد امریکای لاتین؛ Chand، ۱۹۹۷ در مورد نقش سازمان ملل و سازمانهای غیر دولتی در نظارت بر انتخابات مکزیک و کمک آنها به تقویت جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی.

۹۷. ر.ک. به: Hulme and Edwards, 1997; Edwards and Hulme, 1995;

98- Macdnald, 1997:1.

۹۹. ادواردز و هولم، ۱۹۹۶.

100. Gordenker and Weiss 1997, Howes 1997.

101. Uvin, 1995.

۱۰۲. ر.ک. به: Bratton, 1990, Fowler, 1992; Smillie, 1997, Van Rooy 1997

103. Myth of the market plus civil society.

104. Myth of the state.

105. Myth of the market.

۱۰۶. ر.ک. به: Pasha, ۱۹۹۶.

اقدام به کارهای مصلحتی بکنند یا در اهداف فقرزدایی و مشارکتی حاضر شوند، بلکه جامعه مدنی نیز ممکن است اجازه پیدا نکند که نقش خود را از پایین و یا براساس مذاکره و گفت‌وگو انجام دهد.<sup>۱۰۶</sup>

در چند مورد علاقه به جامعه مدنی قابل تقدیر است، از جمله در مورد دادن حق بیان به گروه‌هایی که قبلاً اجازه اظهار نظر نداشتند. علاوه بر این، ارتباطی که کاربرد این واژه بین شمال و جنوب به وجود می‌آورد به موضوع حفظ آن کمک می‌کند. این موضوع بوضوح در ایده «جامعه مدنی جهانی»<sup>۱۰۷</sup> توضیح داده شد و مثال آن در شبکه سازمانهای غیردولتی که قبلاً ذکر شد، آورده شده است.<sup>۱۰۸</sup> در عین حال واضح نبودن معنا و مفهوم این واژه و غیرقابل درک بودن فرضهای مبهم آن باعث کاهش کاربرد آن می‌شود. همچنین می‌توان گفت که نوع ملایمتر و قابل قبولتر جامعه مدنی که هم اکنون در بین سازمانهای بین‌المللی رایج است، در واقع اضافه کردن واژه‌ای دیگر به مجموعه لغات است. به مرحله پذیرش انتقادات مطرح شده در این تحقیق می‌تواند جامعه مدنی را به ابزار تحلیلی مفیدی برای محققان جغرافیایی توسعه تبدیل کند.<sup>۱۰۹</sup> در واقع تا زمانی که بررسی دقیق وجود دارد و جامعه مدنی به عنوان نوشدارویی که وجود مستقلی دارد در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه به عنوان چیزی که نیاز به سؤال و تحقیق دارد تلقی می‌شود، ممکن است راه‌هایی ثمربخش برای تحقیق آیندگان وجود داشته باشد. در مورد عاملان اجرایی نیز چنین تذکر و احتیاطی لازم است. شاید مفید باشد که سازمانهای جامعه مدنی را بخش خاصی از اجتماع در نظر بگیریم که ممکن است تا زمانی که فضای مورد اشغال آنها مورد بحث باشد به مشارکت در اهداف توسعه کمک کنند.

## ۵- منابع

- [1]. Mellwaine, Cathy; "Civil and Development Geography"; *Progress in Human Geography*; (1998); 22,3; pp. 415-424.

۱۰۶. ر.ک. به Pasha, ۱۹۹۶.

107. globat civil society.

۱۰۸. ر.ک. به Lipschutz, 1992, Pasha, 1996 و برای بحث به Marden, 1997.

۱۰۹. ر.ک. به Pearce, 1997a.